

میلعلو وه

# تماما تقیقده برت بسند مدرم یرهاظ هاگدید دقن

ملاسا یرنایم حرط  
داتسا

یرنا رهط یرنیسندن سحمد محمد دیسد جاد الله تہیا  
مّرسد الله س دق

مِجْرَلًا نَاطِيْشَلًا نَمَلَلَهُاب ذَوْعًا  
 مِجْرَلًا نَمَحْرَلًا اللهُ مَسْبِ  
 دَمَّحَم مَسَاقَلًا بِأَتَيْبِنَا وَ اَنْدَيْسِي لَعَالَهُ يَلَّو  
 [نَيعْمَجَا مَهْنَادَعَا لَعَالَهُ اللهُ تَمْنَعُو وَ نَبِر هَاطَلَا نَبِيْطَلَا هَلَا لَعُو]

[...] برخی می‌گویند: چگونه ممکن است امام زمان علیه السلام که یک طفل [مثلاً پنج‌ساله بوده، ولایت کبری داشته؟ چه می‌شود آخر؟ این چطوری ممکن [است]؟!]

### تیلو تقیقده به تبسند مدرم نییاد و ی حطس را کفا

میرمشی بر غنسم ی لیخ [اذل]، میمهی من، میتسین انشا، میتسه هناگیب تماما هلنسم اب ام تسین  
 یربک تیلو بحاصد دوشب معفدکی هلاسجنپ لفظ هک ار هلنسم نیا مینادی بر غنسم  
 هدش شلاس 70، دشاب هدش دنلب... ات، دیفس ش شیر دسری یربک تیلو هب هکی سک نآ دیاب امتد  
 ؛تسا حرطم نامز رورم ام یاری، میزاجم رد ردقچ ام دنکی منیا زا تیاکد نیا!؟ لاس 60، دشاب  
 جنپ لفظ نیمه رگا هک میتسه رود قیاقد زا ردقنیا و تسا نییاد و تسا تسپ نامر اکفا ام ردقنیا ی نعید  
 هدرخ کی نیمز، رگیب ددرگب نیمز نیمه، بخ، تسین یزیچ؛ دوشد هفاضا و اهل لاس 50 معفدکی هلاس  
 24 لاثم، ددرگب دنت معفدکی! دراندل لاکشا، دراند بیع لاد، هن: مییوگی، لاس 50 دوشب ددرگب دنت  
 ماما معفدکی، لاس هس و لاس ود و لاس کی و ددرگب عیرسی نیبید تقو کی! هقیقده 5 دنکب ارتعاس  
 !... و تسا هدش گرزب لاد، رگیب هن! ناه: مییوگی، لاس 55 دوشب نامز  
 دیسر هکی تقو نآ نامز ماما لاثم؛ [مینادی م] ندوبن زون یگنسد رد ار تیلو هلنسم روطنیمه و  
 ؛تسا ردقچ هلاسجنپ هچب؟ ناه، رگیب ولیک 20 شوق لاد، لاثم میدوبن هک ام؟ دود ولیک دنچ تماما هب  
 ؟ناه

□□□□□: 20 □□□□□.

أعطق رگیب دوشی مذمه ولیک 20: داتسا

□□□□□: □□□□□.

!نیا، ناه، نیچمه ولیک 200 هک دشاب ی ناتسد متسر کی امتد دیاب لاد بخ: داتسا  
 الآن یادم آمد یک قضیه خنده دار. یک ماه پیش بود منزل بودم، خب یک مقداری وزن ما کم شده،  
 مسائل و جریاناتی طی شده بود. می‌گفتم که: «خب، الآن من بهترم یا آن موقع؟» گفت: «آن موقع!»  
 گفتم: «چرا؟» گفت: «هیبتان کم شده!» گفت: «آن موقع هیبتان بیشتر بود، حالا کم [شده].» گفتم:  
 «خب بالآخره این هم یک نظریه‌ای است» خب مثلاً ببینید ما راجع به امامت چه جور فکر می‌کنیم؟

### مدرم ی ساسحا هاگدید نیبیت رد ی نارهظ هملاع ی ابیز لیثم

هسلج یوتای، هن؛ دندرکی م حرطم مئاق دجسم رد ار بلطم نیا گنشقی لیخ اقا موحرم تقو کی  
 نیا مردپ مسا، تسا نیا مامانسانش، متسه ی صخش نیچم هکی م: «هک دنتفگ. دویذ دجسم، دود ی  
 هکی تقو (دندومرف ی تقو کی مه هسلج یوتای لو، دنتفگی م ناشیا تسا مدای هبنش هسب بش کی)، تسا  
 ی لعل صم هللا!» ای چی چ نآ «!تا اولد املاء ی تملاس»: تفگی م دجسم هت نآ زا ی کی «...موشی م دراو  
 «!دمحمل و دمحم] آن یکی می‌گفت: «لال از دنیا نرویی جمال پیغمبر را صلوات بفرست!» آن یکی  
 نمی‌دانم این را می‌گفت، خلاصه از این صلوات‌ها بود و همین طوری که الآن هم هست! بله، آن موقع  
 هم از این چیزها [بود]. تا ایشان می‌آمدند و می‌رفتند و می‌رسیدند به محراب دیگر، فاصله‌ای را طی  
 می‌کردند و... ایشان می‌فرمودند: «خب ببینید، ما وارد مسجد می‌شویم یکی از آن طرف برای ما











